

کنکاشی در جریان های سنت گرا در معماری انگلستان

سمانه امامی کوپائی *

گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دولت آباد اصفهان، ایران

خلاصه

جریان های سنت گرایی به اشکال مختلف و در مقاطع گوناگون تاریخ، بعد از شکل گیری تفکر مدرن، در جوامع غربی و خاصه انگلستان با آن که خود مهد جریانات روشنفکری است، به دلیل خلاء های موجود در جوامع مدرن به خوبی دیده می شود و همواره افکار گوناگونی را به سمت گرایش به گذشته و احیای سنت های گذشته ترغیب کرده است. که البته این گرایشات فکری در انگلستان از قرن نوزدهم به بعد گسترش و نمود بیشتری می یابد. در بررسی جریانهایی که به نوعی به دنبال احیای سنت های گذشته بودند نحله های فکری، هنری، اجتماعی و سیاسی مختلفی در تاریخ غرب خاصه بریتانیا، به خصوص سده های اخیر به وقوع پیوست که شاید مهمترین و اثرگذارترین آنها در حوزه فکری و هنری را بتوان در قالب ۳ جریان سنت گرایان، جریان های تجدید حیات و گرایشات معماری بومی (که بخش وسیعی از این گرایشات جزء اندیشه های پست مدرنی بود) دسته بندی کرد. و در عین حال شاید نتوان دامنه تأثیرات آنها را بر یکدیگر انکار کرد. در این پژوهش سعی شده با اشاره به شکل گیری و تفکرات این ۳ جریان در غرب، افکار و گرایشاتی که در انگلستان تحت عنوان جریان های سنت گرا و پیشامدرن در عرصه هنر و معماری در سده های بعد از قرن ۱۵ اتفاق افتاده است را مورد بررسی قرار گیرد. ارزیابی این تفکرات نشاندهنده آن است که این نهله های فکری در عرصه های مختلف، با وجود شباهتی که در هدف خود دارند ولی در نحوه نگاه به گذشته و مفهوم سنت با هم اختلافات زیادی دارند. لذا نمی توان از یک جریان غالب و فراگیر در همه عرصه ها صحبت کرد. و این در حالی است که بسیاری از این تفکرات به خصوص در عرصه معماری نتوانست نمود چندانی یابد.

واژگان کلیدی: سنت گرایی، هنر و معماری سنتی، جریانات احیاءگری، انگلستان

۱. مقدمه

عبور از عالم کهنه به عالم نو مستلزم آن بود تا جهانشناسی انسان به وجه و معنی عام آن دگرگون شود و رشد علوم از یک سو و دگرگونی در ساحت فلسفه که به نحوی به جای همیاری با دین و الهیات قرون وسطایی، اکنون در خدمت گذاری به علم در می آمد اقتضای این تحول و دگرگونی در جهانشناسی کلان آدمی را داشته است. [1]
اگر سده های ۱۵ و ۱۶ اروپا را دوران درگیری و کشاکش خونین میان نگهبانان سنت دیرین مذهبی و طرفداران مدرنیته و دگراندیشی بدانیم، سده ۱۷ و ۱۸ را می توان دوران تلاش ها و مجاهدت های آدمیان نواندیش محسوب داشت که در پی ریزی جامعه ای مدرن با شکل و درون مایه ای متفاوت بودند، و می کوشیدند تا عهدی تازه را به هموعان خویش نوید دهند. در سرتاسر این دوره ما با تنش ها و درگیری های میان نو و کهنه روبرو هستیم. اما آنچه مسلم است این که رفته رفته آفتاب مدرنیته و روشنگری با گذر از قرن شانزدهم و ورود به قرن هفدهم و هجدهم بر سراسر اروپا پرتو

* Email: samaneh.ek@gmail.com